



جغرافیا و روابط انسانی، زمستان ۱۴۰۲، دوره ۶، شماره ۳، صص ۶۰۶-۵۸۰
تحلیلی بر نقوش سنگ قبرهای شهرستان الشتر در دوره اسلامی^۱

کریم حاجی زاده باستانی^۱، زهرا چراغی^۲، مژگان رستمی^۳

۱-دانشگاه محقق اردبیلی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشیار گروه باستان شناسی، اردبیل، ایران ایمیل

k_hajizadeh@uma.ac.ir

۲-دانشگاه محقق اردبیلی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشجوی دکتری باستان شناسی، اردبیل، ایران،

۳-دانشگاه محقق اردبیلی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشجوی پسا دکتری باستان شناسی، اردبیل، ایران،

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۱/۰۸

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۸/۲۲

چکیده

قبور و قبرستان‌ها، بیش از آن که محلی برای تدفین و به خاک سپردن مردگان باشند، بخش اعظمی از اندیشه و زندگی، زندگان را به خود مربوط می‌سازند. آثار برجای مانده از قدیمی‌ترین سنگ قبرهای شهرستان الشتر نشان از آداب و رسوم و آئین‌های خاک‌سپاری از دوران کهن تا امروز در زندگی مردم این منطقه دارد. می‌توان گفت، نقش مایه‌های تزئینی سنگ قبرهای شهرستان الشتر، دریچه‌ای به دنیای افکار دینی و فرهنگی این منطقه است. هدف از پژوهش حاضر تحلیل و دسته‌بندی نقوش سنگ قبرهای شهرستان الشتر می‌باشد. این پژوهش به روش توصیفی-تحلیلی و همچنین همراه با مطالعات میدانی و کتابخانه‌ای با رویکرد مردم‌شناسی، نقوش سنگ قبرهای این منطقه را مورد بررسی و مطالعه قرار داده است. براین اساس سوالات اصلی این پژوهش عبارتند از: ۱- مضمون و محتوای نقوش تزئینی سنگ قبرها به چند دسته تقسیم می‌شوند؟ ۲- سنگ قبرهای مورد مطالعه متعلق به چه دوره‌ای هستند؟ سنگ قبرهای قدیمی شهرستان الشتر دارای، نقوش تزئینی گوناگونی همچون: هندسی، شکار، حیوانی، انسانی و گیاهی می‌باشند و همچنین دارای مضامینی همچون: شکار و چابک بودن، شایستگی زنانه و شیرزنی، تدین و مذهبی بودن، شادابی و آراستگی، اعتقاد به زایش و جهان هستی و مهمانوازی و مهمانداری هستند. نگارندگان بر این عقیده هستند که نقوش و نشانه‌های این قبور نشأت گرفته از سبک‌های اصلی زندگی ساکنان این منطقه است؛ از این رو ۱۵ قبرستان مستندنگاری شده و نقوش تزئینی آن‌ها مورد مطالعه قرار گرفته است. **واژگان کلیدی:** نقوش، برسقیان، سنگ قبر، دوران اسلامی، شهرستان الشتر.

^۱ مقاله مستخرج از طرح پژوهشی نوع دوم به شماره قرار داد ۱۴۰۲/۵/۹/۱۴۷۰۲ است که با حمایت دانشگاه محقق اردبیلی انجام شده است. مجری طرح جناب آقای دکتر کریم حاجی‌زاده باستانی.

بیان مسئله

یکی از تفکرات اساسی آدمی از بدو هستی تا به امروز، مسئله مرگ و جهان پس از مرگ است. این بینش در تمامی جوامع، دارای مجموعه‌ای از نمودها و جلوه‌های مختلف است. سنگ‌قبرها، یکی از اجزای لاینفک این تفکر در همه جوامع می‌باشند؛ زیرا توانسته‌اند همچون ابزاری اساسی برای نمودهای عینی و معنوی آن به کار روند (خسرونژاد، ۱۳۷۷: ۲۳). یکی از قدیمی‌ترین آثاری که در طول تاریخ بشری در سراسر جهان شناخته شده سنگ‌قبرها می‌باشند، که تمامی فرهنگ‌ها در طی دوران تمدن خود به گونه‌ای از وجود آن‌ها بهره‌مند شده‌اند (رضایی، ۱۳۹۰: ۹۰). سنگ‌مزارهای قرار گرفته بر روی قبرها علاوه بر زنده‌نگه داشتن یاد و خاطره فرد متوفی، بیانگر تاریخ‌گویی از فرهنگ و سنت‌های مردمان گذشته است. آثار حک شده بر روی این سنگ‌قبرها، نشان از فرهنگ پربار ادوار گوناگون تاریخ سرزمین ایران دارد. از این‌روی سنگ‌قبور را می‌توان اولین آثار مکتوب جهان به شمار آورد (چارنی، ۱۳۸۷: ۱۳۴). آثار برجای مانده در این سنگ‌قبرها، بازگو کننده سخنان خاموش، گنجینه هنر گذشتگان می‌باشد؛ نقوش گیاهی، انسانی، حیوانی، فرم و اشکال، نقوش هندسی و ...، باورها و اعتقادات جامعه و قومی را در احجام ناب و در کتابت سنگ قبور معرفی می‌کنند که از این جهت دارای اهمیت ویژه‌ای هستند (معروفی‌اقدم، ۱۳۹۹: ۶۴). به صورت کلی باید اذعان داشت که آئین‌ها، آداب و رسوم، باورهای بشر چنان در تار و پود هستی او تنیده شده که بعد از مرگ او نیز در ساختار قبر و سنگ‌قبر قابل مشاهده است. سنگ‌قبرها صحنه‌هایی از تاریخ، هنر، افکار و باورهای مردم هر منطقه در مورد زندگی و مرگ را به تصویر می‌کشاند که با کنکاش آن‌ها می‌توان جنبه‌های گوناگونی از فرهنگ مردم آن منطقه را مبرهن نمود (عسکری‌خانقاه و خورشیدی، ۱۳۹۲: ۱۰). سنگ‌قبرها به دلیل ارتباط خاصی که با انسان دارند، زمینه مناسبی برای نمایش افکار او و تصاویر نمادین مربوط به آن‌ها هستند، تصاویر و نقوشی که امروزه به جهت فراموش شدن مفاهیم‌شان از صفحه قبرها محو شده‌اند (رحیمی، ۱۳۹۸: ۱۶).

نکته حائز اهمیت در مورد ارتباط سنگ قبور موجود در گورستان‌های اسلامی ایران و سرزمین‌های همجوار، گوناگونی بی‌شمار این آثار از دید شکل ظاهری و حجم کلی آن‌ها و همچنین تنوعات قابل ملاحظه بیشتری در زمینه نقش و تزئینات بدنه آن‌هاست. علاوه بر وجود بعضی همسویی‌ها در سنگ‌مزارهای موجود در دیگر ادوار ایران که نشان از تأثیر و تأثرات و خصوصیات فرهنگی و عقیدتی مشترک میان جوامع دارد؛ اعتقادات مذهبی،

باورها، آداب و رسوم، فرهنگ و دیرین‌الگوهای متعدد اقوام ایرانی، اصلی‌ترین عامل جهت فرم‌دهی و ایجاد انواع اشکال سنگ‌قبور و نقوش مختلف بر روی آن‌ها است (رحمانی و قربانی، ۱۳۹۳: ۱۹۱). در بین گورستان‌های ادوار گوناگون، سنگ‌قبرهای دوره اسلامی از تنوع آرایه‌های تزئینی و شکل ظاهری بیشتری برخوردارند که همین امر مجموعه حائز اهمیتی را برای مطالعات باستان‌شناسی، تاریخ و فرهنگ و هنر فراهم کرده است (ستارنژاد و همکاران، ۱۳۹۹: ۱۶۴). در این پژوهش، تعداد ۱۵ گورستان روستاهای، صالح‌آباد، امیر، دکاموند، بساط‌آباد، دهرحم، بتکی، امیر، اکبرآباد، نوم‌گرو، پرسک، گرکان سفلی، هنام، پیرمحمدشاه، شینه و دی کافرون مورد بررسی و مستندنگاری واقع شدند. در این گورستان‌ها سنگ‌قبرهایی از ادوار گوناگون اسلامی قابل مشاهده است که تاکنون پژوهش مستقلی در مورد آن‌ها صورت نگرفته است. در گذشته تعدادی از این سنگ‌قبرها به دلایل متعدد انسانی و طبیعی دچار آسیب شده‌اند و از بین رفته‌اند، امروزه تعداد اندکی از این سنگ‌قبرها در برخی گورستان‌ها باقی مانده‌اند و تعدادی نیز در موزه قلعه فلک الافلاک و موزه الشتر نگهداری می‌شوند، از این روی در این پژوهش ضرورت مستندنگاری و مطالعه آن‌ها را ایجاب می‌کند. در پژوهش حاضر نگارندگان، سنگ‌قبرهایی را مورد بررسی و مطالعه قرار داده‌اند که از وضعیت سلامت بهتری برخوردارند و حامل اطلاعات کافی و بهتری برای پژوهشگران آینده هستند. از اهداف اصلی این پژوهش، دسته‌بندی و تفکیک اشکال نقش‌مایه‌های این سنگ‌قبرها است که به نوعی بیانگر اعتقادات قومی و فرهنگی مردم شهرستان الشتر است. سوالات اصلی این پژوهش عبارتند از: ۱- مضمون و محتوای نقوش تزئینی سنگ‌قبرها به چند دسته تقسیم می‌شوند؟ ۲- سنگ‌قبرهای مورد مطالعه متعلق به چه دوره‌ای هستند؟

روش پژوهش

پژوهش حاضر از نظر هدف، کیفی بوده و به روش توصیفی-تحلیلی می‌باشد، مطالعات گورستان‌ها به روش میدانی که شامل: بازدید و مستندنگاری گورستان‌ها و سنگ‌قبرهای شهرستان الشتر است. بعد از آن، داده‌های حاصل از پژوهش با نرم‌افزار کورل طراحی شده‌اند و اطلاعات به روش تحلیلی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته‌اند. در این پژوهش، تعداد ۱۵ گورستان روستاهای، صالح‌آباد، امیر، دکاموند، بساط‌آباد، دهرحم، بتکی، امیر، اکبرآباد، نوم‌گرو، پرسک، گرکان سفلی، هنام، پیرمحمدشاه، شینه و دی کافرون مورد بررسی و مستندنگاری واقع شدند.

پیشینه پژوهش

از نظر پیشینه سنگ قبر در ایران، می‌توان به کریم‌پور (۱۳۴۲) اشاره کرد که برای اولین بار در مقاله‌ای با عنوان «سنگ‌مزارهای ایران» به معرفی و تحلیل نقوش سنگ قبرها پرداخته است، عمده پژوهش‌های او بر روی سنگ‌قبرهای روستاهای اطراف کاشان و دلیجان بوده و به سنگ‌قبرهای منطقه لرستان اشاره نکرده است. سنگ‌قبرهای منطقه لرستان برای نخستین بار در سفرنامه سیاحانی که از لرستان گذر کرده‌اند آمده است، آنان در سفرنامه‌های خود به صورت ضمنی به گورستان‌ها و آیین‌های سوگواری اشاراتی داشته‌اند مانند: راولینسن ۱۸۳۹-۱۸۳۷، م؛ دوبد ۱۸۴۵، م؛ استارک ۱۹۳۲، م؛ و فیلبرگ در سال ۱۹۳۵. م که برای نخستین بار در کتاب خود تحت عنوان ایل‌پایی، شرح سنگ‌گور و مراسم تدفین را آورده است. همچنین پژوهشگرانی که در مورد قبور لرستان بررسی‌های کوتاهی انجام داده‌اند و مقاله‌های مختصری در این مورد نوشته‌اند می‌توان به موارد ذیل اشاره نمود: آیلرز ۱۹۵۹، م؛ ملدگارد ۱۹۶۴. م؛ گاف ۷۱-۱۹۷۰. م؛ واندن‌برگ ۱۹۷۲. م. از جمله پژوهش‌های که مرتبط با موضوع حاضر است می‌توان به: افخمی و ستارنژاد (۱۴۰۰) در مقاله‌ای با عنوان «پژوهشی بر شناخت سنگ‌مزارهای دوران اسلامی شهرستان ورفان در استان آذربایجان شرقی» به اهمیت سنگ قبر در بین تمام جوامع از روزگاران گذشته تاکنون پرداخته است. نتایج پژوهش نشان دادند که، نقش‌مایه‌های ایجاد شده، بازتاب اعتقادات مذهبی، اجتماعی و قومی ساکنان این منطقه بوده است، صدرایی و معروفی اقدام (۱۴۰۰) در مقاله‌ای تحت عنوان «پژوهشی بر بازتاب ادوات جنگی در نقوش سنگ قبور دوران اسلامی ایران» به مطالعه جنگ‌افزارها به عنوان مهم‌ترین نقوش روی سنگ‌قبرها در ادورا گوناگون تاریخی پرداختند. نتایج نشان دادند که این نگاره‌ها بیش‌تر به دلیل دلآوری‌های شخص متوفی روی سنگ قبر وی حک شده که نشان از بزرگی و احترام، قدرت و شجاعت، پهلوانی و دلیرمندی وی دارند، ستارنژاد و همکاران (۱۳۹۹) در مقاله خود با عنوان «گونه‌شناسی، طبقه‌بندی و تحلیل سنگ‌مزارهای اسلامی شمال غرب ایران (مطالعه موردی دوره ایلخانی تا پایان دوره صفویه)» به نشانه‌های مرتبط با سنگ‌مزار در جوامع مختلف پرداختند. نتایج نشان داد که، سنگ‌مزارها از جهت شیوه قرارگیری در سه نوع عمودی، افقی و ترکیبی با گونه‌های مختلف قابل دسته‌بندی هستند، رضالو و همکاران (۱۳۹۹) در مقاله‌ای تحت عنوان «تأثیر باستان‌گرایی و ملی‌گرایی برنگاره‌های سنگ قبور دوره قاجار گورستان دارالسلام شیراز» به مطالعه سنگ‌قبور از مظاهر ارزشمند هنر اسلامی

پرداختند. نتایج نشان دهنده تداوم نقش مایه‌های دوران ساسانی و هخامنشی می‌باشد، معرفی اقدام و همکاران (۱۳۹۹) در پژوهشی با عنوان «بررسی و بازشناسی فرهنگی نقوش سنگ قبور گورستان‌های موکریان شرقی در عصر قاجار»، به مطالعه اهمیت نقوش سنگ‌قبرها که بیانگر علایق و دلبستگی‌های فرد متوفی بوده، پرداخته‌اند. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که، این نقوش در عین دارا بودن معانی نمادین خاص، تأثیر گرفته از فرهنگ منطقه، اعتقادات و موقعیت زمانی و مکانی خود می‌باشند، رحیمی (۱۳۹۸) در پایان نامه خود با عنوان «بررسی تحلیلی خطوط و نقوش سنگ قبرهای محوطه شهیدگاه بقعه شیخ صفی‌الدین اردبیلی» به تحلیل نقوش و خطوط پرداخته است. یافته‌های پژوهش حاکی از این است که مضمون کتیبه‌های شهیدگاه، شامل متون مذهبی مانند: آیات قرآن کریم، احادیثی از ائمه اطهار (ع)، دعا، اشعاری در خصوص مرگ و زندگی بوده و عناصر معنوی دوره صفوی را در خود دارند. در سنگ مزارهای شهیدگاه، از خطوط متنوع خوشنویسی چون: کوفی بنایی، نسخ، نستعلیق، رقع و توقیع، کوفی تزئینی و ثلث استفاده شده است، شریفی‌نیا و همکاران (۱۳۹۸) در مقاله‌ای با عنوان «بررسی و تحلیل نقوش تزئینی سنگ قبور شهرستان دره‌شهر» به بررسی فرهنگ و شناخت ریشه‌های فرهنگی جامعه از طریق مطالعه سنگ قبر پرداختند. نتایج پژوهش نشان داد که سبک هنری اجرای نقوش تزئینی سنگ قبور شهرستان دره‌شهر، سبک هنری عوام یا واقع‌گرا می‌باشد و براساس همین سبک که وابسته به پیکره‌های اجتماعی آن جامعه برخاسته از واقعیات زندگی است، جهانمرد و ولی‌بیگ (۱۳۹۸) در مقاله‌ای با عنوان «بررسی تناسب و ترکیب‌بندی سنگ مزارهای با نقش مایه فرشته در آرامستان آرامنه جلفای اصفهان» به بررسی نقش نگاره‌های فرشتگان بر بروی سنگ‌مزارها پرداختند. نتایج پژوهش نشان دادند که تصاویر فرشتگان قبرستان آرامنه تقریباً به یک اندازه تحت تأثیر مسیحیت و هنر ایران دوره باستان و دوره اسلامی است. همچنین تناسب خاصی میان ابعاد کادر نقش فرشتگان در سنگ مزارها وجود دارد، فائدرحمتی (۱۳۹۸) در پایان نامه کارشناسی ارشد با عنوان «تحلیل بازتاب فرهنگ مردم لرستان در عناصر تصویری و نوشتاری سنگ قبرهای رازان و رنگرزان»، به بررسی رسوم متداول از گذشته تا کنون از طریق گذاشتن سنگ‌قبر پرداخته است. نتایج پژوهش حاکی از این است که فرهنگ، آداب و رسوم و اعتقادات مردم لرستان به صورت وجوه تصویری و نمادین بر روی سنگ قبرها حک شده‌اند، احمدزاده و همکاران (۱۳۹۷) در پژوهش خود به بررسی «پژوهشی بر شناخت مضامین و نقوش سنگ قبور ایل‌گوران در شهرستان اسلام‌آباد غرب (شاه‌آباد سابق)» پرداختند. نتایج نشان دادند که، نقوش سنگ‌مزارهای تاریخی ایل‌گوران کرمانشاه، بازتاب دهنده جایگاه اجتماعی و فردی متوفی، در جامعه ایلی و روستایی زمان خود بوده است؛ بین خصایص نیکوی

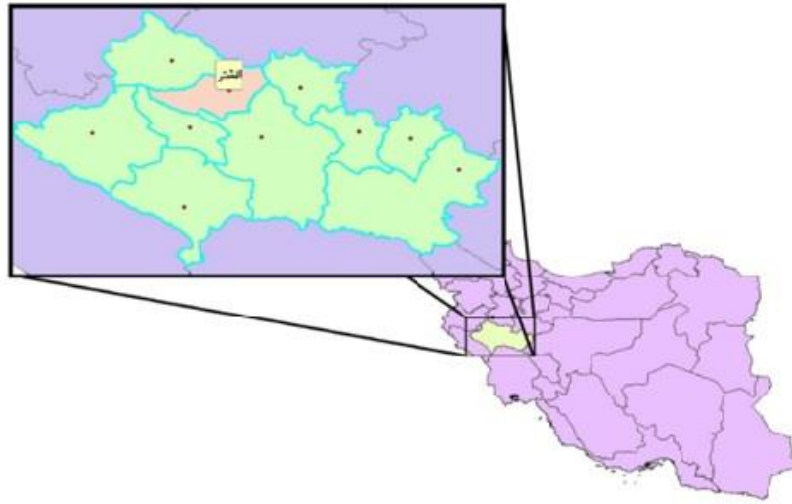
انسان خفته در گور و نقوش سنگ‌مزارها رابطه‌ای مستقیم، وجود دارد که بازماندگان، با برپاداشتن این سمبل‌ها، آن خصایص نیکوی را یادآوری می‌شدند، کاملی و امین‌پور (۱۳۹۶) در مقاله‌ای با عنوان «مطالعه نگاره‌های نمادین خورشید در محراب و سنگ‌قبرهای محرابی شکل قرن ۴ تا ۷ ه.ق»، به بررسی تشابه سنگ‌قبرهای محرابی از نظر فرمی با محراب پرداختند. نتایج پژوهش حاکی از این است که نماد خورشید در شکل‌های گوناگونی از دایره، چلیپا، گل نیلوفر و شمشه این در دست‌ساخته‌ها به کار رفته است، شهرکی‌فرخنده (۱۳۹۵) در مقاله‌ای با عنوان «بررسی قبور آرامگاه‌های دوره اسلامی سیستان (مطالعه موردی حوزه زهک)»، تدفین و توجه به دنیای پس از مرگ را مورد بررسی قرار داده است. نتایج حاصل از پژوهش حاکی از این است که تغییرات صورت پذیرفته در شیوه‌های تدفین این منطقه ناشی از تأثیر عوامل جغرافیایی و سنت‌های دیرین مردمان برپایه باورهای دینی آنان و نیز بازتابی از شرایط اقتصادی ادوار مختلف و تفاوت مذهبی ساکنان سیستان بوده است، شریفی‌نیا و همکاران (۱۳۹۵) در مقاله خود با عنوان «شناخت و بررسی مضامین و نقوش تزئینی سنگ قبور شهرستان دره‌شهر در استان ایلام» به بررسی نقش‌مایه‌های تزئینی سنگ‌قبر به عنوان دریچه‌ای به دنیای افکار دینی و فرهنگی هر منطقه پرداختند. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که نقوش تزئینی قبور زنان با مردان متفاوت بوده است و نقش‌مایه‌های شامل مضامینی همچون شکار، مجالس هم‌نشینی، نشان دادن ابزارآلات روزمره زندگی و نقوش مذهبی هستند، صفی‌خانی و همکاران (۱۳۹۵) در پژوهشی تحت عنوان «نشانه‌شناسی نقوش سنگ قبور قبرستان تخت فولاد اصفهان (با تأکید بر نقوش حیوانی شیر و ماهی)» به بررسی نقش شیر و ماهی در قبرستان تخت فولاد پرداختند. یافته‌های این پژوهش نشان دهنده این است که، نقوش تنها جنبه تزئینی نداشته و علاوه بر اشاره به مفاهیم، سندی است که ویژگی‌های اعتقادی، فرهنگی و اجتماعی آن زمان را نمایان می‌کند، مهربابی هفشجانی (۱۳۹۵) در مقاله‌ای با عنوان «پژوهشی پیرامون نقوش آئینی سنگ قبرهای شهر هفشجان در استان چهارمحال و بختیاری ایران» به نقش هنر هجاری در زندگی بشر پرداخته است. یافته‌های پژوهش نشان دادند که در هجاری سنگ قبور، انواع نقوش آئینی از جمله: شمشیر، زیورآلات، تسبیح و مهر، شمعدان، فرشته و ... به کار رفته است، توکل و زارع (۱۳۹۴) در پژوهش خود تحت عنوان «بررسی نقوش و کتیبه‌های سنگ‌قبرهای گورستان سلطان‌ابراهیم در مرودشت فارس»، به بررسی نقوش کتیبه‌ها پرداختند. نتایج پژوهش نشان داد، با توجه به این که روی سنگ‌قبرهای این گورستان، نقش درخت سرو، گل چندپیر به فراوانی روئیت شده است، می‌تواند مبنی بر این باشد که هنر قاجاریان تأثیر گرفته از هنر دوره هخامنشیان است، رضایی (۱۳۹۰) در مقاله خود با عنوان «بررسی مفاهیم و ترکیبات درخت سرو بر سنگ‌مزارهای

قبرستان داراسلام شیراز» به بررسی نقش سنگ قبر در سیر اندیشه مردم برمی پردازد. نتایج پژوهش نشان دادند که این نقوش شامل تزئینات گسترده و متنوعی از درختان سرو می‌باشند. ریشه معانی خود را از باورهای مرسوم و تأثیرات بصری خود را از طرح‌های دوران هخامنشی و به خصوص ساسانی وام گرفته‌اند و به نوعی جدید در شکل هنر قاجار تجلی نموده‌اند. فرزین (۱۳۸۴) در کتاب خود با عنوان «گورنگاره‌های لرستان (پژوهشی مردم‌شناختی در نقش و مضمون سنگ گورهای لرستان)»، به بررسی سنگ‌قبرهای لرستان پرداخته است. لازم به ذکر است که، با توجه به موارد ذکر شده تاکنون پژوهش مستقلی در مورد سنگ‌قبرهای شهرستان الشتر منتشر نشده است. از این روی نتایج این پژوهش می‌تواند در تجزیه و تحلیل سایر سنگ‌قبرهای استان لرستان راهگشا باشد.

موقعیت جغرافیایی شهرستان الشتر

شهرستان الشتر (سلسله) در شمال استان لرستان و در ۵۰ کیلومتری شمال شهر خرم‌آباد واقع شده است. این شهرستان از شمال به رشته‌کوه گرین (گری) که از کوه‌های مرتفع زاگرس مرکزی محسوب می‌شود و سراسر شمال لرستان را در بر گرفته و در حد فاصل بین شهرهای نهاوند و الشتر قرار گرفته است، محدود می‌گردد. دشت الشتر یک دشت کم وسعت می‌باشد که شامل بخش مرکزی الشتر است (تصویر ۱) شهرستان الشتر براساس آخرین تقسیمات کشوری ۱۷۸۸ کیلومتر مربع وسعت دارد که در بین ۱۱ شهرستان استان، رتبه ششم را از نظر وسعت دارد. این شهرستان دارای دو بخش مرکزی و فیروزآباد است، شهرستان الشتر جمعاً دارای شش دهستان است که چهار دهستان دوآب، قلعه مظفری، هنام و یوسفوند در بخش مرکزی و دو دهستان فیروزآباد و قلابی در بخش فیروزآباد قرار دارند (آذری‌فر، ۱۳۸۸: ۲۲).

از دوره اسلامی اطلاعات بسیاری در مورد شهرستان الشتر در منابع و متون دیده می‌شود. در سال ۲۱ هجری الشتر به وسیله سپاهیان عرب فتح شد و حکام اسلامی دینور، بر الشتر حکومت می‌کردند. به نظر می‌رسد که در دوران اسلامی اوج شکوفایی شهر الشتر در دوره سلجوقیان و حکمرانی حاکمان برسق بوده که مرکز اصلی و نفوذی آن‌ها این شهرستان بوده است. برخی از مورخان و باستان‌شناسان قبرستان معاصر امیر که مربوط به دوره سلجوقیان است از باقیمانده شهر باستانی لاشر می‌دانند و عده‌ای دیگر قبرستان پیش از تاریخی گریان را باقیمانده این شهر می‌پندارند (رهنا حسنوند، ۱۴۰۱: ۱۳۰).



تصویر ۱- موقعیت قرار گیری شهرستان الشتر در غرب ایران (حیدری، ۱۳۹۷).

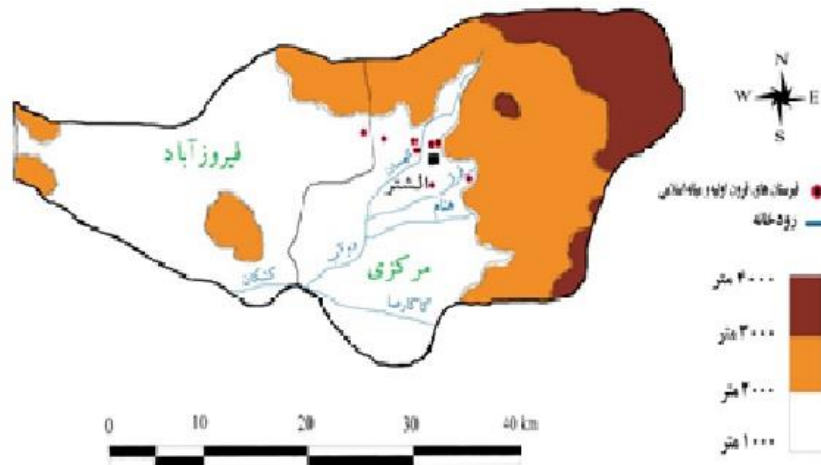
آیین تدفین و نشانه‌های سنگ قبر در دوره اسلامی

در سده‌های نخستین اسلامی، تدفین با تغییرات قابل ملاحظه‌ای همراه بوده است؛ در آن دوره برخلاف ادوار پیشین دیگر مرده را درون برج‌های خاموش یا کوه‌های دخمه‌ای و یا استودان‌ها نمی‌گذاشتند و هرگونه تجلیل معمارانه را در بنای مقابر محکوم می‌کردند. مردگان را با آدابی نظیر آنچه امروزه کم و بیش ادامه دارند به خاک می‌سپردند و بنا بر اعتقادات و باورهای دینی سده‌های اولیه همه را در یک سطح از زمین قرار می‌دادند (فرزین، ۱۳۸۴: ۲۵). زیرا که اسلام با برافراشتن آرامگاه‌ها و برپاداشتن مراسم پرستش در آن‌ها و پیرامون آن‌ها مخالفت می‌کرد. اما به تدریج با تأثیرپذیری از آرامگاه‌ها و یادبودهایی که از ادوار گذشته از دوره‌های پیشین برجای مانده بود، همراه با تحولی نو در معماری، بناهای یادبود بسیاری ساخته شد (گرابار، ۱۳۸۵: ۱۷). از دیگر نشانه‌های قبرهای دوره اسلامی که به گونه‌های متنوع تا امروز تداوم یافته‌اند، سنگ‌قبرهایی هستند که دریغا بسیاری از آن‌ها بر اثر هجوم غارتگران یا ناآگاهان دستخوش نابودی شده‌اند (فرزین، ۱۳۸۴: ۲۶). هر آن چیزی که از بازمانده‌های آن‌ها در گورستان‌های متروک مشاهده می‌گردد، نشان دهنده تنوع فراوان در شکل، نقوش، خط و شیوه قرار گرفتن و سایر موضوعاتی از این قبیل است که بررسی همه جانبه آن‌ها می‌تواند گویای بسیاری از ناگفته‌ها و ناپیوستگی‌های فرهنگی و تاریخی وارد شده به این منطقه باشد.

دسته‌بندی نقوش سنگ قبرهای الشتر

گروه اول سنگ قبرهای خاندان برسقیان: از کهن‌ترین سنگ‌قبرهای برجای مانده از گورستان‌های متروک لرستان، سنگ‌قبرهای مربوط به خاندان برسقی می‌باشد که در قرون پنجم و ششم در مناطقی از لرستان حکمرانی می‌کرده‌اند. این نوع سنگ‌قبرها، در زبان محلی به دلیل داشتن چهار گوی برآمده بر چهار گوشه آن‌ها که شبیه به (پستان) هستند، برد ممکی (سنگ پستانی) گفته می‌شود و آن‌ها را متعلق به عهد گبرها (گور) می‌دانند (فرزین، ۱۳۸۴: ۹۳).

براساس بررسی‌های صورت گرفته توسط مترجم و حیدری در شهرستان الشتر، در دو بخش مرکزی و فیروزآباد تعداد ۸ قبرستان مرتبط با دوره سلجوقیان شناسایی شده است. از این ۸ قبرستان در ارتباط با خاندان برسقی تنها یک قبرستان در بخش فیروزآباد قرار دارد و مابقی در قبرستان‌ها و در بخش مرکزی جای گرفته‌اند. در بخش مرکزی نیز همه قبرستان‌های شناسایی شده مرتبط با دوره سلجوقیان در دو دهستان قلعه مظفری و یوسفوند جای گرفته‌اند و در دهستان هنام و دوآب قبرستانی از دوره حکومت برسقیان شناسایی نشده است (مترجم و حیدری، ۱۳۹۵: ۵). همانگونه که ذکر گردید، از قبرستان‌های شناسایی شده تعدادی سنگ قبر مشاهده شده که بررسی سنگ قبور نشان دهنده این است که این‌ها متعلق به خاندان برسقیان هستند. خاندان برسقی در قرن پنجم و ششم هجری در ناحیه الشتر حکومت داشتند و براساس اسناد و مدارک تاریخی موجود، به نظر می‌رسد پایگاه اصلی حکومت آن‌ها در الشتر قرار داشته است. طی بررسی‌های صورت گرفته می‌توان گفت، بیشترین تراکم قبرستان‌های مربوط به این دوره در شمال شهر فعلی الشتر قرار دارد (تصویر ۲).



تصویر ۲- پراکنش قبرستان‌های مربوط به دوره سلجوقیان (خانندان برسقی) در سطح شهرستان الشتر (مترجم و حیدی، ۱۳۹۵).

بر روی تصویر (۳) بیشتر نوشته‌ها به خط عربی است که متوفی را معرفی می‌کند در بالاترین سطح سنگ حک شده است و با این عبارت با خط کوفی برگدار شروع می‌شود: «هذا قبر عبدالخلیل بن میر». این نوشته در کادری مستطیل شکل نوشته شده که در هر دو سر آن به طرحی مثلثی ختم می‌شود و در حقیقت شکلی شبیه فلش دو سر دارد. درون هریک از مثلث‌ها با یک کلمه قرآنی پر شده است که پیامی شبیه «الملک» یا «الباقی» را نشان می‌دهد. در سطح دوم نیز ادعیه با خطی کاملاً تزئینی ذکر می‌شود که دربرگیرنده عباراتی همچون: «رحمهم» یا «یغفرهم» است. تایپوگرافی عربی که بر سطح دوم حک شده، نشان دهنده این است که خطاطان در طراحی و تجسم خط کوفی تزئینی خلاقیت داشته‌اند. سطح پایین سنگ یا سطح سوم، در هر گونه قبه‌هایی دارد و در کنار آن‌ها، تزئینات جناغی حاشیه را دور می‌زند. چهار قبه که ممکی یا پستانی گفته می‌شود.



تصویر ۳- نمونه سنگ قبر پستانی از خاندان برسقی (محل نگهداری موزه قلعه فلک الافلاک) (نگارندگان، ۱۴۰۲؛ طرح از پرویز، ۱۴۰۱).

این نوع سنگ قبر که بیشتر شبیه به سنگ‌های بالا سر شباهت دارد، قوس بالای سنگ قبر با یک نشانگر تزئینی گیاهی پر شده و در سطرهای زیرین این گونه نوشته شده است: «بسم الله الرحمن الرحيم، هذا قبر ملک - ظهیرالدین رحمہ الله إنها» (تصویر ۴) نمونه دیگر از نوع ظهیرالدینی سنگ قبری از نوع ایستاده با رأس نیم دایره است که روی آن این گونه نوشته شده است «بسم الله - هذا قبر» (تصویر ۵)، این امکان وجود دارد که ظهیرالدین یکی از اعضای معتبر خاندان برسقی یا دست کم یکی از کارگزاران برسق‌ها باشد که این سنگ قبر خوش خط را بر مزارش گذاشته‌اند.



تصویر ۴- سنگ قبر ملک ظهیرالدین در روستای امیر حدود اواسط قرن ششم هجری (محل نگهداری موزه الشتر) (پرویز، ۱۳۹۰).



تصویر ۵- نمونه سنگ بر روستای امیر از نوع ایستاده با رأس نیم دایره (نگارندگان، ۱۴۰۲).

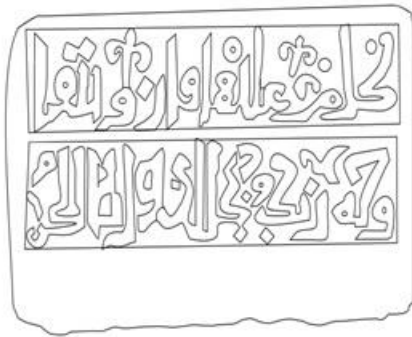
در روستای گریبان سفلی سنگ قبری به دست آمده که به احتمال زیاد همان سنگ قبری است که حمید ایزدپناه به نام امیر سپهسالار داوود از آن یاد کرده است. بر روی این سنگ قبر می‌توان نام یک ژنرال برسقی را مشاهده نمود. متأسفانه قسمت زیادی از حاشیه سنگ قبر از بین رفته اما از شیوه تزیین آن می‌توان گفت که این سنگ قبر هم از نوع پستانی است. در قسمت بالای آن این گونه نوشته شده است: «هذا قبر الاسفہسالار معزم الدین علی بن محمد بن داود رحمه الله عنه» شیوه نگارش و مشخصات ظاهری سنگ قبر نشان می‌دهد که دست کم حدود هشتصد سال از عمر آن گذشته است (تصویر ۶).

ایزدپناه در مورد این سنگ قبر این گونه نوشته است: قبرستانی از قرن پنجم و ششم در شرق تپه گریبان مورد استفاده قرار دارد، در آنجا چند سنگ قبر بزرگ به خط کوفی و فارسی دیده می‌شود که از جمله یکی از آنها سنگ قبر، شخصی است که نام امیر سپهسالار بن داوود به صورت برجسته روی آن نوشته شده است (یادداشت‌های احمد پرویز، ۱۴۰۱).



تصویر ۶- سنگ قبر مربوط به یک ژنرال (محل نگهداری، موزه الشتر) (نگارندگان، ۱۴۰۲).

هر کدام از کتیبه‌های به دست آمده دربرگیرنده پیام‌ها و رمز و رازهایی بسیاری هستند. می‌توان گفت امیران الشتر هرچند از القاب پرزرق و برق به عنوان سپهسالاران کبیر استفاده می‌کردند، اما آن‌ها هنگامی که در خاک آرمیده می‌شدند، تنها امیدشان به رحمت و شفاعت الهی بود به همین دلیل، نوشته‌های روی سنگ قبر آن‌ها، علاوه بر این که فخری بود به اعتقاد خود، بلکه پرتو امید بخش را در آخرت ساطع می‌کرد. یه قطعه سنگ کتیبه مانند از روستای امیر به شکل دورچین، چهارچینه و ساختار یک قبر را در هفتصد تا هشتصد سال پیش نشان می‌داد. سطح این سنگ قبر دو قسمت مشخص دارد، بخش پایه که بی نقش است و در زمین فرو می‌رود و سطح بالا که در دو کادر مستطیل شکل، بخش اصلی نوشتار را تشکیل می‌دهد (تصویر ۷). نوشته روی سنگ قبر به خط کوفی و به آیه ۲۶ سوره الرحمن اشاره دارد: «کل من علیها فان و یبقی / وجه ربک ذوالجلال و الاکرام». این آیه را بر روی سنگ قبرها و بناهای آرامگاهی بسیاری نوشته‌اند، نمونه مشابه این آیه در سنگ قبری از بقعه شاهنشاه خرم‌آباد به دست آمده است.



تصویر ۷- سنگ قبر به دست آمده از روستای امیر (محل نگهداری، موزه الشتر) (نگارندگان، ۱۴۰۲).

گروه دوم سنگ قبرهایی با نقشمایه شکار: اشیاء مفرغی به دست آمده از درون گورهای لرستان نشان دهنده این است که، در دیار لرستان جنگجویی و سوارکاری پیشینه‌ای کهن دارد (فرزین، ۱۳۸۴: ۴۳). رومن گیرشمن که سال‌های متمادی در ایران به تحقیق و کاوش پرداخته است، این گونه می‌نویسد: سلاح‌ها و زینت‌های مربوط به زین و برگ اسب که در گورستان‌ها و عبادتگاه‌های لرستان به دست آمده، همیشه در زندگی عادی مورد استفاده قرار می‌گرفته است. تعدادی از آن‌ها به عنوان نذر در عبادتگاه‌ها قرار داده شده و تعدادی دیگر را در قبور مردگان می‌گذاشتند و این گونه تصور می‌کردند که مورد استفاده آن‌ها در دنیای دیگر قرار خواهد گرفت (گیرشمن، ۱۳۹۰: ۵۹). بعد از گذشت هزاران سال در ادامه زندگی کوچ‌نشینی و یکجانشینی مردمان زاگرس همچنان دلبستگی به اسب و ضرورت استفاده از این حیوان را از دست ندادند. با این تفاوت که دیگر دلبستگی‌های خود را در هیئت مفرغ‌های لرستان نمایان نساختند و باورهای و اعتقادات آنان به زندگی بعد از مرگ به شکلی دیگر متحول گردید. بر اثر این تحولات، آنچه را که تا گذشته‌های دور به نشانه موقعیت اجتماعی، فردی و اعتقادات مذهبی افراد در درون گورش می‌گذاشتند، در قرون معاصر اسلامی با نقشی کم‌رنگ شده و به جهت اعتقادی بر روی قبر مردگان حکاکی می‌کردند. نقوش کنده شده بر روی سنگ‌قبرها دیگر آئین و آداب اعتقادی و مذهبی گذشته را به همراه نداشتند، بلکه تصاویری نمادین از رفتارها و خصوصیات اجتماعی افراد در زمان حیاتشان بودند (فرزین، ۱۳۸۴: ۴۵).

از جمله نقوشی که در سنگ قبرهای شهرستان الشتر برجای مانده است، نقش سواران یا جنگاورانی است که همراه با سلاح گرز، شمشیر، سپر و تفنگ در حالتی از رزم دیده می‌شوند. در واقع می‌توان گفت این نقوش بیانگر روزگار زندگی مردمانی است که در دلیری، بی‌باکی، شجاعت، جنگاوری، سوارکاری و جوانمردی در بین ایل و طایفه خود بی‌نظیر بوده‌اند که بعد از مرگ آن‌ها به پاس شجاعت و دلیری‌شان صحنه‌هایی از زندگی‌شان به تصویر درآمده تا به نوعی یادآور دلیری‌های شخص متوفی باشد. در تصویر (۸) به صورتی که نقوش هر وجه به گونه‌ای مشخص موضوع متفاوتی را نشان می‌دهد. وجه جلویی - طرفی که رو به سنگ قبر دارد، صحنه‌هایی از حیات متوفی را نشان می‌دهد. نوشته‌ای بالای سنگ قبر اشاره به نام شخص متوفی را می‌کند و تصاویر چهار ردیف تکرار شده‌اند، ردیف بالایی مردی تفنگ به دست مشغول شکار شیر در چشم‌انداز کوهستانی است، پایین این نقش تصاویری از قرق و شکار بزکوهی توسط همان فرد و یا به کمک همراه و یا نوکرش را نمایان می‌سازد و در پایین این نقش فرد مذکور در حالی که کلاه لبه‌دار دوره پهلوی را بر سر دارد سوار بر اسب است و تفنگ خود را به طرف بزکوهی نشانه می‌رود و یک نفر در پشت سر از او حمایت می‌کند در حاشیه پایین سنگ دو گوزن به قدری به فرد شکارچی نزدیک شده که او با اسلحه کمبری (کلت) هر دوی آن‌ها را در حضور نوکرش نشانه رفته در حالی که پرواز دو پرنده نشانه از شلیک گلوگه است. وجه پشتی سنگ معمولاً تصویر مرگ را به نمایش می‌گذارد، که افسارش در دست نوکر و سلاح‌ها را به زمین آویخته‌اند، در کنار اسب تصویر چهار زن و در جلوی اسب تصویر زنی نقش شده که در حال سوگواری هستند. و در پایین شش زن نقش شده که صورت‌های خود را می‌خراشند در پایین تصاویر شعری در چهار سطر نوشته شده است. این سنگ قبر مربوط به دوره معاصر پهلوی دوم حدود سال ۱۳۳۱ شمسی است.



تصویر ۸- سنگ قبر دو طرفه با مضمون شکار (محل نگهداری، موزه قلعه فلک الافلاک) (نگارندگان، ۱۴۰۲).

گروه سوم سنگ قبرهایی با نقشمایه هندسی: در هنر دوره اسلامی، جهت دور شدن از حقیقت مادی و نزدیکی به بطن واقعیت الهی، نقوش از حالت طبیعی دور شده و به شکلی تجریدی جلوه گر می گردند (صفی خانی و همکاران، ۱۳۹۳: ۷۷). هنر اسلامی به دنبال معنا بخشیدن به حیات هدف دار خود می باشد در بیان و تجسم توحید، هندسه را که با قیود اعتقادی خود سازگار کرده، به کمک آن نقوش زیبایی را می آفریند. هنرمندان هنر اسلامی به دو دلیل هنر هندسی را استفاده و گسترش دادند: اول این که جایگزینی را برای تصاویر ممنوع موجودات زنده فراهم نمود، چرا که مخاطبین را به تفکر روحانی دعوت می کرد و دوم این که پیشرفت و جایگاه علم هندسه در دنیای اسلام بود (شریفی نیا، ۱۳۹۱: ۱۴۵). از این نوع اشکال هندسی جهت نشان دادن نشانه های تدین و مذهبی بودن نیز استفاده می شده به صورتی که می توان گفت، نشانه های مذهبی از که از ویژگی های آئین خاکسپاری به شمار می روند که دربرگیرنده قسمت های مهمی از فرهنگ، آداب، سنت ها، اعتقادات و باورهای دینی هر قوم و مردم سرزمین به شمار می روند. در دوره های اسلامی دیگر اشیاء تدفینی را همراه با متوفی دفن نمی کردند، بلکه نشانه های مذهبی را بر روی سنگ قبرها حجاری می کردند (فرزین، ۱۳۸۴: ۸۰).

نقوش مهر، تسییح، سجاده و خورشید از نقوش مذهبی هستند که بر روی سنگ‌قبرهای الشتر به وفور مشاهده می‌شوند. این قبیل نقوش پیش از این که نمایانگر خصوصیات مذهبی فرد متوفی باشند (تصویر ۹)، نمادهایی از بازمانده تفکرات دیرینه دینی و اعتقادات مردمان گذشته این منطقه هستند که بسیاری از آن‌ها ریشه در فرهنگ اساطیری این قوم دارد.



تصویر ۹- نقشمایه‌های مذهبی بر روی سنگ قبر (نگارندگان، ۱۴۰۲).

گروه چهارم سنگ قبرهایی با نقشمایه سوگواری: در برخی از سنگ‌قبرهای الشتر تصاویری مشاهده می‌شود که صحنه‌هایی از مراسم سنتی سوگواری را به نمایش می‌گذارند. سنگ تراش این صحنه‌ها را با الهام از واقعیت‌های زندگی حجاری کرده است. روی این سنگ‌قبرها صحنه‌های زنانی مشاهده می‌شوند که در حال خراشیدن صورت خود هستند. این حالات برگرفته از صاحبان عزا در زمان روبه‌رو شدن با هم، برای ابراز همدردی و همدلی با تکرار حرکت دستان بر روی صورت و گفتن کلمات «و و» اجرا می‌شود و گاهی نیز در این حال گونه‌های خود را می‌خراشند. تصویر (۱۰) سنگ قبر افراشته به صورتی که نقوش هر وجه به گونه‌ای مشخصی موضوع متفاوتی را نشان می‌دهد، وجه جلویی - طرفی که رو به سنگ قبر قرار دارد صحنه‌هایی از حیات متوفی را نشان می‌دهد. قسمت بالای سنگ قبر مردی شکارچی با لباسی محلی در حالی که تفنگی در دست دارد مشغول شکار بزکوهی در یک دورنمای کوهستانی است. در جلوی فرد شکارچی، اسبی سوار که افسارش در دست نوکر است، نشان داده شده

که دست‌هایش را به روی سینه جمع کرده که نشان از مرگ اوست. در گوشه‌ای از این تصویر دو نوازنده در حال نواختن ساز چمری مرگ سوار کار را اعلام می‌کنند و در پایین این نقش اسب بی‌سوار که افسارش در دست نوکر و سلاح‌ها را به زین آویخته‌اند، نمایش داده شده در حالی که پیرامون اسب زنان سوگوار به تصویر کشیده شده است. در پایین این تصویر چهار زن نقش شده که دست در دست یکدیگر گوئی در یک ردیف در حال رقص‌اند حاشیه دور ادور سنگ با تزئیناتی شبیه به زیگزاگ آراسته شده است.

نقوش ذکر شده، پیش از آن که صحنه‌های سوگواری را نشان دهند، نمادهایی هستند که غم و اندوه بازماندگان را به نمایش می‌گذارند.



تصویر ۱۰- سنگ قبر با نقش سوگواری (محل نگهداری، موزه قلعه فلک الافلاک) (نگارنده‌گان، ۱۴۰۲).

گروه پنجم سنگ‌قبرهایی با نقشمایه کدبانویی و آراستگی زنان: زن در جامعه ایلی و عشیره‌ای عهده‌دار وظایف گوناگون و گسترده‌ای در امور خانواده است. او مادر است و در هیچ زمانی از نقش مادری خود غافل نیست. او پا به پای شوهرش در زمین‌های کشاورزی کار می‌کند. در زندگی عشایری زن دامدار است و دام‌ها را همانند فرزندان

خود پرستاری می‌کند، زیرا که حیات خانواده وابسته به نگهداری دام است. او وارث تجربیات و دانش‌های آباء و اجدادی، حکیم و پرستار خانواده است. او بافنده است و نقوش بازمانده از درگذشتگان ایل را، بر تار و پور بافته‌های خود می‌بافد (فرزین، ۱۳۸۴: ۶۶).

زمانی که این زنان از دنیا می‌رفتند، با تأثیر از خصوصیات آن‌ها، نقوشی را بر سنگ قبرشان حکاکی می‌کردند و معمولاً این نقوش عبارت بودند از: دارقالی و ابزارهای متعلق به آن، شانه، آینه، مهر، گل و درخت.

در واقع می‌توان گفت، بیشترین نقوش در بین نگاره‌های هنری تمدن‌های بشری به خصوص هنر دوران سلامی، نقوش گیاهی هستند. نمادین بودن این نقوش بی‌تردید از جمله پیچیده‌ترین و متنوع‌ترین نمادهای بشر را شامل می‌شود. در تصویر (۱۱) بر روی سنگ قبر یک زن کدبانو نقوش گیاهی که شامل شاخه‌های گل می‌شود قابل مشاهده است، بر روی این سنگ قبر نقوش گیاهی، بیان‌کننده تداوم حیات بعد از مرگ است. از جمله نقوش دیگر این سنگ شامل حوض آب است که نشان‌دهنده پاک‌سازی و زلالی است. دو زن بافنده در حین بافتن قالی و در پایین تصویر نیز چهار نفر در حال اجرای رقص «را را» هستند که مراسم عزاداری را به نمایش می‌گذارند.






تصویر ۱۱- سنگ قبر مربوط به یک زن کدبانو، روستای شینه (فرزین، ۱۳۸۴؛ طرح نگارندگان، ۱۴۰۲).

تحلیل یافته‌ها

از مجموع قبرستان‌های قدیمی شهرستان الشتر تعداد ۸ قبرستان متعلق به حکام محلی برسقیان که در قرن پنجم و ششم بر شهرستان الشتر حکومت می‌کردند. این سنگ‌قبرها به دلیل داشتن چهار برجستگی یا قبه در زبان محلی به آن‌ها مَمَکی یا پستانی گفته می‌شود این چهار قبه تعابیر گوناگونی دارد عده‌ای براین باورند که نشان دهنده خلفای راشیدن است و عده‌ای دیگر بر این عقیده‌اند که نشان‌دهنده چهار عنصر اصلی و یا چهار فصل سال هستند. از سنگ قبرهای برسقی نمونه‌های بسیاری به دست آمده که تعدادی از آن‌ها در موزه شهرستان الشتر نگهداری و دو عدد آن‌ها در موزه قلعه فلک‌الافلاک نگهداری می‌شود. اکثر این سنگ قبرها دارای تزئینات هندسی هستند و خط آن‌ها کوفی برگدار است. که نام متوفی بر روی برجستگی بالای سنگ قبر نوشته می‌شود. نمونه دیگری از سنگ قبرهای برسقی، سنگ قبرهایی هستند که به سنگ‌های بالاسری شباهت دارند، قوس بالای سنگ قبر با نشانگر تزئینات گیاهی پر شده و در سطور بعدی به نام متوفی اشاره شده است. نقوش حیوانی جمله از مهم‌ترین و زیباترین نقوشی هستند که همجواری آن با نقوش گیاهی و انسانی، معانی گوناگونی را بازآفرینی می‌کند. از اواخر دوره قاجاریه سنگ قبرهایی از شهرستان الشتر به دست آمده که بیانگر زندگی اشخاصی هستند که در دلاوری، شجاعت و شیرزنی در میان مردم منطقه زبانزد بوده‌اند. این سنگ‌قبرها بسته به موقعیت اجتماعی و سیاسی شخص متوفی به صورت دو رو یا تک رو هستند، که آن‌ها روی زندگی و روی پایانی یا مرگ می‌گویند. در روی زندگی صحنه‌های از زندگی شخص را به نمایش گذاشته است. این صحنه‌ها معمولاً با شکار و سوارکاری به تصویر کشیده می‌شوند. می‌توان گفت نقش بزکوهی از دوره باستان بر روی مفرغینه‌های لرستان و در دوره‌های جدیدتر بر روی دست‌باافته‌های این منطقه قابل مشاهده است و به نوعی جز لاینفک هنر این منطقه است، از این روی نقش بزکوهی بر روی سنگ قبرهای ایستاده به تصویر کشیده شده که شکارچی تفنگ به دست در حال شکار بزکوهی است. روی دیگر سنگ قبر که روی پایانی یا مرگ نام دارد، تصاویری از مراسم عزاداری شخص به نمایش گذاشته می‌شود. معمولاً در اکثر سنگ قبرهای ایستاده چهار نفر رقصنده به تصویر در آمده که در حال اجرای رقص را هستند. در قبور پیش از اسلام همراه با متوفی اشیا و لوازم ضروری را با او دفن می‌کردند، تا در دنیای پس از مرگ از آن‌ها استفاده کند، با ورود اسلام این رویه تغییر کرده و به جای گذاشتن اشیا تدفینی بروی سنگ قبر آن‌ها نشانه‌های تدین و مذهبی بودن حک شده است. در اکثر سنگ قبرها جنسیت مذکر را به شانه یک طرفه و جنسیت مؤنث را با شانه دو طرفه نشان می‌دهند. در جدول (۱) نقوش مختلف سنگ قبرهای شهرستان الشتر و مضامین آن ذکر گردیده است.

جدول ۱- نقوش سنگ قبرهای الشتر با مضامین مختلف (نگارنده گان، ۱۴۰۲).

۱- نقوش با مضمون شکارچی و چابک بودن			
شکارچی با تفنگ	شکارچی سوار بر اسب	پرنده	بزکوهی
			
۲- نقوش با مضمون سوارکاری، جنگاوری و شجاعت			
غلامان	شیر	اسب کتل شده	اسب
			
۳- نقوش با مضمون شایستگی زنانه، نشانه کدبانویی و شیرزنی			
دار قالی (تصویر دو زن در دو طرف دار قالی)		قیچی	
			
۴- نقوش با مضمون تدین و مذهبی بودن			

خورشید	مهر و سجاده	تسیح	مهر			
						
۵- نقوش مضمون شادابی و آراستگی، اعتقاد به زایش و جهان هستی						
گل		درخت				
						
۶- نقوش با مضمون مهمانوازی و مهمانداری						
لگن آفتابه مخصوص مهمانی	قوری	استکان	شانه دو طرفه (جنسیت مونث)	شانه یک طرفه (جنسیت مذکر)	آینه	قدان
						

نتیجه گیری

در واقع می توان گفت، سنگ قبرها دارای ارتباط خاصی با زندگی انسان بوده و بستر ارزشمندی برای مصور کردن افکار و عقاید شخص متوفی را دارند. گورستان های دوران اسلامی در شهرستان الشتر به عنوان جامعه آماری مورد

مطالعه در این پژوهش اطلاعات باارزشی از روند شکل‌گیری، نقوش و ادوار دوران اسلامی را در اختیار نگارندگان قرار داده است، از این روی تعداد ۱۵ گورستان دوران اسلامی در روستاهای شهرستان الشتر را مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. می‌توان گفت با توجه و بررسی‌های صورت گرفته، کهن‌ترین نمونه‌های سنگ قبر که از شهرستان الشتر به دست آمده مربوط به قرن پنجم و ششم هجری و متعلق به خاندان برسقیان است. سنگ‌قبرهای به دست آمده در شهرستان الشتر به پنج دسته تقسیم می‌شوند، دسته اول سنگ‌قبرهای برسقی، دسته دوم سنگ‌قبرهایی با نقشمایه شکار، دسته سوم نقشمایه هندسی، دسته چهارم نقشمایه سوگواری و دسته پنجم نقشمایه کدبانویی و آراستگی زنانه است. نقوش روی سنگ قبر هر کدام دارای مضامین مختلفی هستند از جمله: نقوش بزکوهی، پرنده، شکارچی سوار بر اسب و شکارچی با تفنگ دارای مضمون شکارچی و چابک بودن، نقوش اسب، اسب کتل شده، شیر و غلام دارای مضمون سوارکاری، جنگاوری و شجاعت، نقوش قیچی و دار قالی دارای مضمون شایستگی زنانه، نشانه کدبانویی و شیرزنی، نقوش مهر، تسبیح، مهر و سجاده و خورشید دارای مضمون تدین و مذهبی بودن، نقوش درخت و گل دارای مضمون شادابی و آراستگی، اعتقاد به زایش و جهان هستی و نقوش قندان، آینه، شانه یک‌طرفه، شانه دو طرفه، استکان، قوری و آفتابه لگن دارای مضمون هستند.

این نقوش که زمانی، دارای جنبه‌های مختلفی از جمله مذهبی، اجتماعی، نمادین و مواردی از این قبیل بوده‌اند، با گذشت زمان، میزان استفاده از آن‌ها کاهش یافته و معانی نمادین به فراموشی سپرده شده است و با توجه این که این سنگ‌قبرها در معرض فرسایش قرار دارند، نیاز به مطالعه ژرف در این خصوص احساس می‌گردد، چرا که این نقشمایه‌ها جزئی از گنجینه‌های هنری این سرزمین محسوب می‌شوند و شناخت آن‌ها خود به حفظ و تداوم نقوش کمک شایانی می‌کند.

سپاسگزاری

این مقاله برگرفته از طرح پژوهشی با عنوان «تحلیلی بر نقوش سنگ‌قبرهای الشتر در دوره اسلامی» می‌باشد. نگارندگان مراتب سپاسگزاری خود را از دانشگاه محقق اردبیلی و همچنین از آقای داریوش دریکوند و علی جوانمرد جهت یاری رساندن نگارندگان در بررسی میدانی بیان می‌دارند.

منابع مالی

منابع مالی این پژوهش توسط دانشگاه محقق اردبیلی تأمین می‌شود.

تعارض منافع

بین نویسندگان تعارضی در منافع وجود ندارد.

منابع

- آذری، فر، ر.ضا. (۱۳۸۸). شناسایی و معرفی مناطق ویژه اکولوژیک شهرستان اشتر با تأکید بر اقلیم، پایان نامه کارشناسی ارشد، رشته جغرافیا، دانشگاه آزاد اسلامی واحد خرم‌آباد.
- احمدزاده، فرید؛ حسینی، سیدهاشم؛ نورسی، حامید. (۱۳۹۷). پژوهشی بر شناخت مضامین و نقوش سنگ قبور ایل‌گوران در شهرستان اسلام‌آباد غرب (شاه‌آباد سابق)، مبانی نظری هنرهای تجسمی، شماره ۵، ۹۲-۷۹.
- افخمی، بهروز؛ ستارنژاد، سعید. (۱۴۰۰). پژوهشی بر شناخت سنگ‌مزارهای دوران اسلامی شهرستان وراقان در استان آذربایجان شرقی، اثر، دوره ۴۲، شماره ۴، ۵۶۷-۵۵۲.
- توکل، ابوذر؛ زارع، یونس. (۱۳۹۴). بررسی نقوش و کتیبه‌های سنگ‌قبرهای گورستان سلطان‌ابراهیم در مرودشت فارس، دومین همایش ملی باستان‌شناسی ایران.
- حیدری، مهدی. (۱۳۹۷). تحلیل و وضعیت تپه بتکی اشتر در عصر مفرغ (مبتنی بر یافته‌های سفالی حاصل از گمانه‌زنی به منظور تعیین حریم و بررسی سطحی)، مطالعات باستان‌شناسی پارسه، شماره ۵، سال دوم، ۱۸-۷.
- جهانمرد، بهاره؛ ولی‌بیگ، نیما. (۱۳۹۸). بررسی تناسبات و ترکیب‌بندی سنگ‌مزارهای با نقش شمایی فرشته در آرامستان ارامنه جلفای اصفهان، نگره، شماره ۵۲، ۶۷-۵۳.

چارئی، علیرضا. (۱۳۸۷). هنرهای سنتی: نقش‌های سنگ مزارهای گورستان دارالسلام شیراز، آینه خیال، شماره ۶، ۱۳۹-۱۳۲.

رحمانی، جبار؛ قربانی، حاجر. (۱۳۹۳). نشانه‌شناسی فرهنگی نقوش سنگ قبور؛ با تأکید بر نقش شانه در تخت فواد اصفهان، مردم و فرهنگ، سال اول، دوره اول، شماره ۱، ۲۱۵-۱۸۹.

رحیمی، سیده زهرا. (۱۳۹۸). بررسی تحلیلی خطوط و نقوش سنگ قبرهای محوطه شهیدگاه بقعه شیخ صفی‌الدین اردبیلی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد باستان‌شناسی، دانشگاه محقق اردبیلی، دانشکده علوم انسانی، استاد راهنما: حبیب شهبازی شیران.

رضالو، رضا؛ معروفی‌اقدم، اسماعیل؛ حاجی‌زاده، کریم؛ افخمی، بهروز؛ خانی، لیلا، سرحدی، لیلا. (۱۳۹۹). تأثیر باستان‌گرایی و ملی‌گرایی برنگاره‌های سنگ قبور دوره قاجار گورستان دارالسلام شیراز، مطالعات باستان‌شناسی پارسه، شماره ۱۳، سال چهارم، ۱۸۰-۱۶۱.

رضایی، مریم. (۱۳۹۰). بررسی مفاهیم و ترکیبات درخت سرور بر سنگ مزارهای قبرستان دارالسلام شیراز، هنرهای تجسمی نقشمایه، سال چهارم، شماره هشتم، ۱۰۰-۹۳.

رهنما ح سنوند، شهرام؛ امیری، مهرداد؛ سبزی، موسی. (۱۴۰۱). مطالعه زمینه‌ای بررسی عوامل مؤثر بر توسعه تأسیسات و مؤسسات گردشگری در مقاصد تاریخی و باستانی (مطالعه موردی: شهر الشتر)، مطالعات جغرافیایی مناطق کوهستانی، سال سوم، شماره دوم (۱۰)، ۱۲۱-۱۳۹.

ستارنژاد، سعید نریمانی، مصیب؛ عزیزی، شیما. (۱۳۹۹). گونه‌شناسی، طبقه‌بندی و تحلیل سنگ مزارهای اسلامی شمال غرب ایران (مطالعه موردی دوره ایلخانی تا پایان دوره صفویه)، نگره، شماره ۵۹، ۱۷۷-۱۶۳.

شریفی‌نیا؛ اکبر؛ شاکرمی، طیبه؛ ارجمندی، رؤیا. (۱۳۹۸). بررسی و تحلیل نقوش تزئینی سنگ قبور شهرستان دره‌شهر، نگارینه هنر اسلامی، دوره ششم، شماره ۱۸، ۱۰۳-۸۸.

شریفی‌نیا، ا. (۱۳۹۱). مطالعه تأثیر نقش‌های گچبری در دوره ساسانی بر نقوش گچبری اسلامی تا پایان عصر سلجوقی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت مدرس، دانشکده علوم انسانی.

- شریفی‌نیا، اکبر؛ ساریخانی، مجید؛ دولت‌یاری، عباس؛ قائمی، نعیمه. (۱۳۹۵). شناخت و بررسی مضامین و نقوش تزئینی سنگ قبور شهرستان دره‌شهر در استان ایلام، هنرهای زیبا- هنرهای تجسمی، دوره ۲۱، شماره ۱، ۳۵-۲۳.
- شهرکی‌فرخنده، مرجان. (۱۳۹۵). بررسی قبور آرامگاه‌های دوره اسلامی سیستان (مطالعه موردی حوزه زهک)، مطالعات تاریخ اسلام، سال هشتم، شماره ۲۹، ۵۹-۲۹.
- صدرایی، علی؛ معروفی‌اقدام، اسماعیل. (۱۴۰۰). پژوهشی بر بازتاب ادوات جنگی در نقوش سنگ قبور دوران اسلامی ایران، اثر، دوره ۴۲، شماره ۳، ۴۴۶-۴۲۴.
- صفی‌خانی، نینا؛ احمدپناه، سیدابوتراب؛ خدادادی، علی. (۱۳۹۵). نشانه‌شناسی نقوش سنگ قبور قبرستان تخت فولاد اصفهان (با تأکید بر نقوش حیوانی شیر و ماهی)، نشریه هنرهای زیبا، دوره ۱۹، شماره ۴، ۸۰-۶۷.
- _____ (۱۳۹۳). نشانه‌شناسی نقوش سنگ قبور قبرستان تخت فولاد اصفهان، هنرهای زیبا- هنرهای تجسمی، دوره ۱۹، شماره ۴، ۷۶-۶۷.
- عسکری خانقاه، اصغر؛ خورشیدی، اعظم. (۱۳۹۲). پژوهشی مردم‌شناختی در نقوش گیاهی مزارهای آرامگاه میرزا کوچک در سلیمان‌داراب رشت، مطالعات توسعه اجتماعی- فرهنگی، دوره دوم، شماره ۳، ۲۵-۹.
- فرزین، علیرضا. (۱۳۸۴). گورنگاره‌های لرستان (پژوهشی مردم‌شناختی در نقش و مضمون سنگ‌گورهای لرستان)، تهران: سازمان میراث فرهنگی و گردشگری پژوهشکده مردم‌شناسی.
- قائدرحمتی، محمد. (۱۳۹۸). تحلیل بازتاب فرهنگ مردم لرستان در عناصر تصویری و نوشتاری سنگ‌قبرهای رازان و رنگرزان، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته گرافیک، دانشکده هنر، دانشگاه شاهد، اتاد راهنما: عبدالرضا چارئی.
- کاملی، شهربانو؛ امین‌پور، احمد. (۱۳۹۶). مطالعه نگاره‌های نمادین خورشید در محراب و سنگ‌قبرهای محرابی شکل قرن ۴ تا ۷ ه.ق، مطالعات تطبیقی هنر، سال هفتم، شماره سیزدهم، ۷۷-۶۳.
- کریم‌پور، هوشنگ. (۱۳۴۲). سنگ‌مزارهای ایران، هنر و مردم، شماره ۱۲، ۳۹-۳۱.

گراپر، اولگ. (۱۳۸۵). اولین بناهای یادبودی اسلامی، مترجم: کرباسی، انتشارت میراث فرهنگی کشور، مجله اثر، شماره ۲۶ و ۲۷.

گیر شمن، رومن. (۱۳۹۰). هنر ایران در زمان ماد و هخامنشیان، ترجمه عیسی بهنام، چاپ سوم، تهران: علمی و فرهنگی.

مترجم، عباس؛ حیدری، مهدی. (۱۳۹۵). بررسی موقعیت شهر الشتر در قرون اولیه تا قرون میانه اسلامی، کنفرانس بین المللی گردشگری، جغرافیا و باستان شناسی

معروفی اقدم؛ اسماعیل؛ حاجی زاده باستانی، کریم؛ زارعی، علی؛ محمودی نسب، علی اصغر؛ شهبازی شیران، حبیب. (۱۳۹۹)، بررسی و بازشناسی فرهنگی نقوش سنگ قبور گورستان‌های موکریان شرقی در عصر قاجار، نگارینه هنر اسلامی، دوره هفتم، شماره نوزدهم، ۶۳-۸۵.

مهرابی هفشجانی، سجاد. (۱۳۹۵). پژوهشی پیرامون نقوش آیینی سنگ قبرهای شهر هفشجان در استان چهارمحال و بختیاری ایران، سومین کنفرانس بین المللی پژوهش در علوم و تکنولوژی، برلین - آلمان ۱۹ تیرماه ۱۳۹۵.

یادداشت‌های احمد پرویز (۱۴۰۱)، منتشر نشده.